



شهید مدنی چهره‌ای ماندگار/شخصیتی که مبارزات مردم همدان را جهت داد

آیت‌الله مدنی از بدو ورود به همدان هدایت مبارزات مردمی را به عهده گرفت و با اقشار گوناگون جامعه ارتباط برقرار کرد به طوری که نقش وی در هدایت و جهت‌دهی به مبارزات مردم همدان ماندگار است.

آیت‌الله مدنی از بدو ورود به همدان هدایت مبارزات مردمی را به عهده گرفت و با اقشار گوناگون جامعه ارتباط برقرار کرد به طوری که نقش وی در هدایت و جهت‌دهی به مبارزات مردم همدان ماندگار است.

خبرگزاری مهر - گروه استان‌ها: آیت‌الله اسدالله مدنی در ۲۰ شهریور ۱۳۶۰ توسط منافقین به فیض شهادت رسید؛ این مجاهد نستوه؛ مبارزات بی‌امان در برابر بدخواهان نهضت اسلامی داشت و در امر مبارزه و مخالفت در برابر رژیم پهلوی از هیچ فرصتی فروگذاری نمی‌کرد؛ در این زمینه در کتاب «زندگی و مبارزات آیت‌الله شهید سید اسدالله مدنی» که توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر شده درباره مبارزات وی در همدان می‌خوانیم:

ورود آیت‌الله مدنی به همدان و در دست گرفتن رهبری مبارزات

آیت‌الله مدنی پیوندی دیرینه با همدان داشت و حضور چندین ساله در آن شهر و رهبری مبارزات نهضت اسلامی در آنجا باعث ایجاد این پیوند بود؛ علاوه بر این، همدان بعد از وفات آیت‌الله معصومی همدانی فاقد آن زعیم برجسته بود که بتواند نهضت را در آن شهر اداره کند.

این عوامل در کنار سوابق مبارزاتی آیت‌الله مدنی باعث شد تا مردم همدان از آیت‌الله مدنی دعوت کنند به آن شهر بروند و رهبری مبارزات مردم آن سامان علیه رژیم پهلوی را در دست گیرد.

آیت‌الله مدنی بعد از دریافت دعوت مردم همدان آن را اجابت کرد و به سوی شهر همدان روانه شد؛ مبارزان همدان نیز به محض اطلاع از اجابت دعوتشان از سوی آیت‌الله مدنی در صدد برگزاری مراسم استقبال ویژه از او برآمدند و مقدمات این استقبال فراهم شد.

آیت‌الله مدنی توسط مبارزان و در میان استقبال شدید مردم وارد همدان شد که روزنامه «ندای میهن» در این باره می‌نویسد: «شهر همدان شاهد یکی از بزرگترین استقبال‌هایی بود که طی سال‌های اخیر در همدان دیده شده؛ از یک هفته قبل، مردم شهر منتظر ورود حضرت آیت‌الله مدنی بودند و حتی روز جمعه گذشته را به عنوان روز تشریف‌فرمایی او در شهر شایع کرده بودند و عده‌ای در آن روز قصد استقبال داشتند.

سرانجام این انتظار پایان یافت و روز سه‌شنبه از صبح زود، مردم خود را برای استقبال آماده می‌کردند و جمعیت یکپارچه، به طرف ملایر اراک قم سرازیر می‌شدند؛ سرانجام در ساعت ۲:۳۰ بعدازظهر، حضرت آیت‌الله مدنی در میان انبوه استقبال کنندگان، وارد شهر شد و به محل سکونت سابق خود واقع در کوچه مدرسه آخوند وارد شدند».

آماده شدن مردم همدان جهت استقبال از آیت‌الله مدنی، یکی از موضوعاتی بود که انعکاس گسترده‌ای در اسناد و گزارش‌های ساواک داشت؛ ساواک همدان در گزارشی ارسالی به تهران قید کرده بود: «از ساعت یک روز ۱۳۵۷/۱۰/۱ به منظور استقبال از اسدالله مدنی که به جای مرحوم آخوند ملاعلی معصومی انتخاب شده است، حدود ۳۰ هزار نفر از طبقات مختلف مردم مقابل مسجد جامع، اجتماع و سپس به طرف دروازه ملایر حرکت نموده و منتظر رسیدن یاد شده از قم می‌باشند و تا این ساعت هیچ‌گونه برخوردی نبوده است».

آیت‌الله مدنی در میان استقبال گرم و با شکوه مردم در حالی که به نفع امام خمینی و علیه رژیم شعار می‌دادند وارد همدان شد و مردم، وی را تا منزلش مشایعت کردند؛ آقای حسن مشتاق در این باره می‌گوید: «برای استقبال از آیت‌الله مدنی دو سه روز جلوتر تدارک دیده شد و کسانی که باید برنامه ریز این جریان باشند را معلوم کردند؛ یک جلسه مشورتی در منزل آقای حسینی تشکیل شد و افراد مسئول و وظایف آنان معین و قرار شد که دو روز بعد (هنگام ورود وی) مردم به استقبال او بروند که در جاده ملایر از وی استقبال بسیار گسترده‌ای شد و مردم، او را سردست بلند کردند».

آیت الله مدنی در بدو ورود به همدان، هدایت مبارزات مردمی را به عهده گرفت و با قشرهای گوناگون جامعه ارتباط برقرار کرد

آیت الله مدنی در بدو ورود به همدان، هدایت مبارزات مردمی را به عهده گرفت و با قشرهای گوناگون جامعه ارتباط برقرار کرد؛ به طوری که گزارش لحظه به لحظه این هدایت ها و مبارزات تا زمان از هم پاشیدن و انحلال رژیم در اسناد ساواک موجود است.

پس از ورود آیت الله مدنی، مردم همدان در یک تظاهرات بیست هزار نفری که تمام اقشار جامعه در آن شرکت داشتند، حمله رژیم به بیمارستان شاهرضا در مشهد را محکوم کردند.

روزنامه «ندای میهن» در این باره نوشت: «خبر تکان دهنده کشتارهای بی رحمانه بیمارستان شاهرضا مشهد یک بار دیگر مردم متدین همدان را تبدیل به یک پارچه عصیان کرد و شهر همدان را دچار ناآرامی شدید و صحنه تظاهرات وسیع و راهپیمایی متوالی نمود؛ بازاریان، دانش آموزان و طبقات مختلف در فرصت های مناسب دست به تظاهرات دامنه دار در نقاط مختلف شهر زدند و با تعطیلی بازار و خیابان ها و سخنرانی هایی در مساجد، مراتب همدردی خود را با مشهد اعلام و اعتراض خود را نسبت به عاملین این فجایع ابراز داشتند».

مردم همدان پس از این تظاهرات، در مسجد جامع همدان گرد آمدند و به مناسبت شهادت استاد کامران نجات الهی یکی از اساتید دانشگاه پلی تکنیک که در تحصن اساتید به شهادت رسید، مجلس ترحیمی را برگزار کردند و آنها پس از پایان یافتن مجلس، با تظاهرات و سردادن شعار علیه رژیم، مراتب تنفر خود را نسبت به اعمال غیرانسانی آن اعلام داشتند.

آیت الله مدنی همواره سعی می کرد که مردم همدان را به برگزاری آرام تظاهرات هدایت کند و مانع از حمله آنان به اماکن عمومی و اداره ها شود؛ همچنین از آنان خواست که با اقلیت های مذهبی با دوستی و مهربانی رفتار شود.

شیوه مبارزاتی نرم و بدون درگیری

او با این اقدامات قصد داشت که نخست نظامیان و مأموران را به سوی انقلاب و مردم جذب نماید و از سوی دیگر مانع هرگونه ایجاد اختلاف قومی و مذهبی میان مردم شود تا آنان با اتحاد و وحدت بتوانند به مبارزه ادامه دهند و بهانه واهی به دست رژیم داده نشود.

در این راستا در یکی از گزارشات ساواک می خوانیم: «برابر اطلاع واصله، عده ای از افراد اخلاص گر اخیراً، نزد واعظی به نام آقای مدنی مراجعه و اظهار داشتند چنانچه اجازه بدهید، به خانه افراد بهایی ساکن در همدان برویم، ضمن ترسانیدن افراد بهایی، خانه های آنها را آتش بکشیم. نامبرده ضمن سرزنش آنان گفته این عمل در دین مبین اسلام کاملاً منع گردیده و از شأن افراد شیعه نمی باشد».

آیت الله مدنی معتقد بود که باید از راه تبلیغ و ارشاد مردم، آنان را به اسلام دعوت کرد و مانع از گسترش بهایی گری شد؛ بر همین اساس، وی با سخنرانی و روشننگری خود موجب شد که اهالی «امزاجرد» که همگی بهایی بودند، اسلام بیاورند: «در حضور آیت الله مدنی، اکثریت اهالی یک روستا به اسلام گرویدند و طی مراسمی که توسط خود اهالی امزاجرد از توابع همدان برگزار شده بود، اکثریت قریب به اتفاق جمعیت روستا، پس از سخنرانی و ارشاد آیت الله مدنی و دانستن حقانیت اسلام، به دین مبین اسلام مشرف شدند و در نماز جماعت شرکت کردند. آنگاه طی همین مراسم، مرکز تجمع این فرقه تبدیل به مهدیه شد و کار خود را آغاز کرد».

آیت الله مدنی در یک سخنرانی در مسجد جامع همدان، اعلام کردند: «کسانی که معتقد به دین مبین اسلام هستند، نمی توانند به هیچ وجه به جان و مال دیگران، من جمله افراد مسیحی، کلیمی، بهایی، آسیب برسانند. کلیه تأسیسات، اماکن عمومی، بانک ها، باجه های تلفن و غیره، از آن عموم است. احتیاج به تخریب و از بین بردن آنها نیست. پلیس، ارتش و ژاندارمری، برادران ما هستند و در هر فرصت به وجود آنان احتیاج داریم».

همگام کردن عوامل رژیم با نهضت اسلامی

بدین ترتیب، آیت الله مدنی ضمن ابلاغ پیام و بیانات امام خمینی به مردم سعی می کرد با روش های مسالمت آمیز، مأموران شهربانی و انتظامی را به همکاری و همراهی با انقلاب و مردم وادار کند. رئیس سازمان اطلاعات و امنیت

همدان به رئیس شهربانی این شهر در این باره چنین هشدار داد: «باتوجه به اینکه یاد شده (آیت الله مدنی) از بدو ورود، ظاهراً اهالی را دعوت به آرامش نموده و حتی از ایذا و آزار مأموران انتظامی توسط اهالی جلوگیری به عمل آورده است و از این رو، وجهه ای بین رؤسای ادارات و فرماندهان و مأموران کسب نموده که امکان دارد این عمل به منظور گمراه کردن نیروی انتظامی منطقه باشد تا در فرصت مناسب ضربه غیرقابل جبرانی به مأموران وارد آورد».

جایگاه و مقبولیت آیت الله مدنی در میان دولتمردان وقت به حدی رسیده بود که وقتی بعضی از آنها تهدید می شدند؛ به محضر آیت الله مدنی می رسیدند و از وی امان نامه می خواستند
جایگاه و مقبولیت آیت الله مدنی در میان دولتمردان وقت به حدی رسیده بود که وقتی بعضی از آنها که تهدید می شدند؛ به محضر آیت الله مدنی می رسیدند و از وی امان نامه می خواستند.

حسین همدانی از مبارزان و یاران آیت الله مدنی در این زمینه می گوید: «یک پلیسی بود که خیلی بد عمل می کرد؛ شب، «گروه حدید» یک نامه ای، انداخته بود در منزلش از زیر در؛ به محض اینکه دیده بود گروه حدید وی را تهدید کرده، آمده بود مسجد جامع… نماز اول آیت الله مدنی در مسجد جامع که تمام شد.

آیت الله مدنی داشت صحبت می کرد؛ آن پلیس پای منبر نشسته بود و دائم می گفت با حاج آقا کار دارم. حالا اینجا آقا داشت صحبت می کرد. آقای مدنی گفت: «چه می گویی…» بعد آن وقت، بیخ گوشش صحبت کرد و یک نامه ای هم به او داد. آقای مدنی بالای منبر نامه را خواند و دید که می گوید که من را تهدید کرده اند بکشند من زن دارم، بچه دارم، من آقا اصلاً دیگر کار ندارم؛ اگر هم به من مأموریت بدهند انجام نمی دهم. شما هم امان نامه به من بده. آقای مدنی بالای منبر گفت: «آقا ایشان توبه کرده، کسی با او کاری نداشته باشد».

وی نمونه ای دیگر از این امثال دستور و امر آیت الله مدنی توسط عوامل رژیم پهلوی نقل می کند و می گوید: «من خاطرم هست که سرگردی که ما را به کلانتری خواست و توهین زیادی هم کرد، هم به امام توهین کرد هم به خود ما، بعدها یک خرده مردمی شد؛ در تظاهرات که یواش یواش جلو آمد، دیگر می آمد دفتر آیت الله مدنی، حاج آقا امیری، دستوری، فلانی؛ یعنی ارتش می آمد آنجا حتی استانداری می آمد؛ مثلاً ارتباط داشتند دیگر با دفتر آیت الله مدنی و می آمدند خدمت او…».

این روش باعث شده بود تا رؤسای اداره ها و ارگان های رژیم پهلوی نیز احترام ویژه ای به آیت الله مدنی بگذارند.

این اقدام، ساواک همدان را وادار کرد تا با ارسال گزارش، ضمن برشمردن نمونه هایی از این ادای احترام مقامات دولتی به آیت الله مدنی، خطرات این اقدامات را گوشزد کند، در این گزارش آمده بود: «شیخ اسدالله مدنی، فعلاً کلیه امور شهر، زیر نظر وی انجام می شود و شهربانی تحت نظر او است و رابط بین آنها سروان نیکو سخن می باشد که کلیه گزارشات توسط وی به شیخ مدنی داده می شود. اخیراً، رئیس شهربانی به تهران احضار [شد] که مدنی به رابط شهربانی اظهار می دارد چرا رئیس شهربانی نیاوند به تهران اعزام شده بایستی به ما تحویل [داده] تا او را مجازات و عقده های مردم خالی می شد. حال با رفتن رئیس شهربانی مردم چگونه عقده های خود را خالی کنند که در پاسخ سروان نیکو سخن مرتباً، بله قربان گفته و اظهار می دارد من بعد همین کار را خواهم کرد جناب مدنی...»

همچنین فرمانده پادگان هم تلفناً، همبستگی خود را اعلام و اظهار بندگی کرد که مراتب، قبلاً به عرض رسیده است فرماندار و تمام مدیران کل ادارات به منزل مدنی رفته، ضمن اعلام همبستگی روش کار خود را از وی سوال نموده اند بازاریان و سایر طبقات مختلف مردم هم به همین منوال. ضمناً، شیخ مدنی در مدت کوتاهی که به همدان وارد شده، در تمام سخنرانی های خود مردم را به آرامش دعوت و از تهمت زدن و کشتن و آتش زدن منع نموده است...

شیخ محمدتقی عالمی، عامل اصلی درگیری های تظاهرات ضدمیهنی، علناً، با کمونیست ها همکاری دارد که دکتر رادمنش استاد دانشگاه بوعلی یکی از آن اشخاص می باشد؛ وی هرگونه عمل خلافی چه از لحاظ دزدی، آدمکشی و آتش زدن را که از وی سوال می کنند می گوید کار ساواکی هاست و گفتارش همه تحریک آمیز و دروغ [است] و حقایق را وارونه جلوه داده و اشخاص را گمراه می نماید. تصمیمی که در مرکز گرفته شده در این وضع کنونی به مصلحت نمی باشد؛ زیرا پس از انجام این کار این آرامش نسبی هم که به وجود آمده، از بین خواهد رفت. چون شهربانی قدرت ندارد، فوراً عملیات را به مأموران ساواک نسبت داده و در نتیجه، منازل بدون دفاع کارمندان آسیب پذیر، به آتش کشیده می شود».

با توجه به گزارش مذکور مشخص می شود که آیت الله مدنی بر تمام اداره ها و سازمان ها و شهربانی کنترل کامل

داشت و در واقع با آمدن وی راه پیروزی انقلاب اسلامی در همدان به طور کامل هموار شد به طوری که دیگر از ساواک هم، کاری بر نمی آمد.

خدمات اجتماعی و امور عام المنفعه

آیت الله مدنی علاوه بر کنترل و تسلط بر اداره ها و شهرداری سعی کرد که مسائل مادی و رفاهی مردم شهر همدان را نیز به گونه ای نظم دهد و مانع از هرگونه اجحاف و فشار بر مردم شود؛ یکی از مشکلات مردم همدان در آن زمان، کمبود مواد سوختی بود؛ با توجه به اعتصاب کارگران شرکت نفت و سرمای شدید این شهر، رفع این معضل از اهمیت خاصی برخوردار بود. در همین زمینه حجت الاسلام غلامحسین بهرامی سخنگوی جامعه روحانیت همدان اعلام کرد: «جامعه روحانیت همدان، کنترل مواد سوختی این شهر را در دست گرفته است».

برای توزیع مواد سوختی میان خانواده های همدانی کمیته ای زیر نظر آیت الله مدنی و عالمی دامغانی تشکیل شد؛ این کمیته به هر خانواد ۱۰ کوپن ۲۰ لیتری نفت می داد که با ارائه آن، نفت دریافت می کردند.

کوپن ها برای مصرف یک ماه هر خانواده بود که هزینه تهیه آن را کمیته مذکور پرداخت می کرد؛ ولی پول نفت را مردم به فروشنده می دادند.

درباره قیمت گوشت و نان نیز تدابیری اتخاذ شد و کمک های دارویی و مالی نیز در اختیار نیازمندان قرار گرفت
درباره قیمت گوشت و نان نیز تدابیری اتخاذ شد و کمک های دارویی و مالی نیز در اختیار نیازمندان قرار گرفت و حتی به شهرهای دیگر نیز کمک هایی شد.

روزنامه «آیندگان» در این باره نوشت: «قیمت گوشت در همدان از کیلویی ۳۸۰ ریال به ۲۵۰ ریال کاهش یافت و برای پایین آوردن قیمت گوشت گاو نیز بررسی هایی صورت گرفت. کاهش قیمت گوشت در همدان به دنبال نشستنی که قصابان و سهامداران این شهر با آیت الله مدنی داشتند اعلام شد. همچنین با تشویق جامعه روحانیت همدان مبنی بر اینکه فروشندگان به سود کمتر قانع باشند، نرخ نان خانگی که از سوی روستاییان در شهر عرضه می شود از ۴۵ ریال به ۳۰ ریال کاهش یافت و میزان پخت آن نیز افزایش داده شد. از سوی جامعه روحانیت همدان همچنین کمک های دارویی، پزشکی، که درباره نیاز درمان و آمبولانس و آذوقه و نیز کمک های نقدی برای مردم نهاروند ارسال و همچنین کمک های دارویی و مالی نیز به قزوین اهدا گردید».

از سوی مردم، کمک نقدی و غیرنقدی زیادی در اختیار آیت الله مدنی قرار می گرفت تا به نیازمندان رسانده شود؛ چنانچه محمدحسین واعظ ساکن روستای علی آباد یک وانت نان و مبلغ ۱,۶۰۰ تومان پول که جمع آوری شده بود را در اختیار آیت الله مدنی قرار داد.

از سوی دیگر، آیت الله مدنی برای جلوگیری از هرگونه اختلاس و اخاذی اعلام نمود که مردم مواظب باشند و فقط به افراد تعیین شده از سوی جامعه روحانیت همدان، اعانه و کمک پرداخت نمایند.

او از صاحب خانه ها خواست که با مستأجران همکاری کرده، از نظر مالی آنان را تحت فشار قرار ندهند؛ چرا که بازار در حال تعطیلی بود و کارمندان نیز در اعتصاب به سر می بردند و آنان درآمدی نداشتند.

بدین ترتیب، کنترل شهر در اختیار آیت الله مدنی و انقلابیون قرار گرفت و مردم نیز در این زمینه نهایت همکاری را داشتند.